



گردشگری و اوقات فراغت

<http://doi.org/10.22133/TLJ.2022.345509.1050>

ترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی

سید عبدالله میرخندان

سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی مؤسسه اخلاق و تربیت قم، قم، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۱/۳/۱۳	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۱/۴/۲۲	
واژگان کلیدی:	
سرگرمی	
ترغیب به سرگرمی	
سبک زندگی	
اخلاق اسلامی	
*نویسنده مسئول	
رایانامه: abdollahmirkhandan@yahoo.com	
نحوه استناددهی:	
میرخندان، سید عبدالله (۱۴۰۱). ترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی. گردشگری و اوقات فراغت، ۷(۱۳)، ۳۷-۴۹.	
ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ https://www.usc.ac.ir	

مقدمه

پیشرفت‌های علمی و صنعتی شدن جوامع و در پی آن، کاهش ساعت‌ها کاری و افزایش اوقات بی‌کاری و به‌وجود آمدن سرگرمی‌های جدید، موجب توجه بیشتر افراد و جوامع به این سرگرمی‌ها شده است. همچنین مضرات پنهان و آشکار این سرگرمی‌ها و رشد جایگاه آنان در زندگی افراد نقد نقادان را در پی داشته است. این انتقادات و مضرات ممکن است سرگرمی‌ها را امری اساساً مذبوم و لهوی مضل بنمایاند. در همین راستا، لازم است دیدگاه اسلامی در مورد ترغیب به سرگرمی‌ها بررسی شود. از آنجاکه علم اخلاق زبانی جهانشمول دارد و شامل بایدها و نبایدهایی است که آحاد بشر آن را می‌فهمند، بررسی‌های اخلاقی در این زمینه نیز بسیار شاخص و بااهمیت‌اند. در تحقیق پیش رو سعی کردیم ترغیب به سرگرمی‌ها در سبک زندگی از دیدگاه اخلاق اسلامی را بررسی کنیم؛ بنابراین این مقاله در پاسخ به این سؤال اساسی نگاشته شده که ترغیب به سرگرمی در سبک زندگی با توجه به آموزه‌های اخلاق اسلامی چگونه است؟ برای جواب به این سؤال، ضمن آن‌که تعریفی از سرگرمی، سبک زندگی و اخلاق اسلامی ذکر می‌شود به این سؤالات فرعی پاسخ داده می‌شود: آموزه‌های ترغیب‌کننده به عموم سرگرمی‌ها کدام‌اند؟ آموزه‌های ترغیب‌کننده به برخی سرگرمی‌ها به صورت خاص کدام‌اند؟ در ضمن بررسی این دو سؤال به سؤال‌های دیگری نیز پاسخ داده می‌شود؛ از جمله این‌که دلالت هر یک از این آموزه‌های عام و خاص بر اخلاقی بودن سرگرمی تا چه اندازه است؟ علت و حکمت ترغیب به سرگرمی در منابع دینی چیست؟ بر طبق این آموزه‌ها، سرگرمی اخلاقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

هدف اصلی این پژوهش بررسی ترغیب به سرگرمی‌ها در سبک زندگی از دیدگاه اخلاق اسلامی است و اهداف فرعی این پژوهش نیز واکاوی اقسام آموزه‌های ترغیب‌کننده به سرگرمی، بررسی دلالت هر یک از این اقسام بر اخلاقی بودن سرگرمی، بررسی حکمت و چرایی ترغیب به سرگرمی در منابع دینی، و نیز بررسی ویژگی‌های اخلاقی بر طبق این آموزه‌هاست.

پیشینه پژوهش

آنچه در مورد سرگرمی در نظریات متفکران غیرمسلمان آمده بیشتر در علم جامعه‌شناسی (در مباحث مربوط به جامعه‌شناسی فراغت) و روان‌شناسی (در بحث انگیزه اعمال انسانی مانند لذت‌جویی و یا کارکردهای سرگرمی مانند التیام‌بخشی) است. روشن است که در هیچ‌یک از این مباحث، به آموزه‌های اخلاقی اسلام در ترغیب به سرگرمی توجه نشده است.

در نظریات متفکران مسلمان نیز برخی به‌صورت ضمنی در لابه‌لای تحقیقات خود از اصول اخلاقی مربوط به سرگرمی صحبت کرده‌اند؛ برخی از آثار در این زمینه عبارت‌اند از:

- ۱) کتاب سرگرمی رسانه‌ای: رویکردی اسلامی - ارتباطی به سرگرمی در سیمای ملی (۱۳۹۵) نوشته حسین شرف‌الدین که پیش از آن، بخش‌هایی از کتاب به‌صورت مقاله به چاپ رسیده است. در این کتاب و نیز مقالات استخراج‌شده از آن، مؤلف به دیدگاه اسلامی در مورد سرگرمی پرداخته است؛ اما آن را از منظر علم اخلاق بررسی نکرده و به آموزه‌های ترغیب‌کننده به سرگرمی به‌صورت مستقل نپرداخته است؛
- ۲) کتاب فراغت، مصرف و جامعه (۱۳۹۱) و نیز کتاب سبک‌های فراغتی جوانان (۱۳۹۱) نوشته محمدسعید ذکایی که در آن‌ها مؤلف با رویکردی انتقادی کارکردهای فعالیت فراغتی در فرهنگ غربی و ورود این فرهنگ به جامعه ایرانی را نقد می‌کند؛ هرچند برخی فواید و ظرفیت‌های اوقات فراغت در این کتاب‌ها گفته شده است، اما هدف مؤلف بررسی ترغیب به سرگرمی در آموزه‌های اخلاق اسلامی نیست؛

۳) کتاب شیوه‌های گذران اوقات فراغت با نگرش به منابع دینی (۱۳۹۴) اثر محمدتقی فعالی و عبدالرضا آتشین صدف که به چپستی و کارکردها و آسیب‌های فعالیت فراغتی و نیز برخی راهکارها برای جلوگیری از آسیب‌های فعالیت فراغت را بررسی کرده است. در این پژوهش نیز مؤلفان به صورت مستقل و مستوفاً ترغیب به سرگرمی در آموزه‌های اخلاق اسلامی را بررسی نکرده‌اند.

روش پژوهش

در این مقاله، اطلاعات با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی‌کردن کسب شده‌اند؛ از همین رو این مقاله پژوهشی کیفی به‌شمار می‌رود.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. تحلیل داده‌ها نیز به صورت تحلیل محتواست؛ زیرا در این تحقیق متن روایات و آیات و دیدگاه متفکران اسلامی و نیز غیراسلامی تحلیل می‌شود؛ پرداختن به روایات و آیات برای به دست آوردن دیدگاه اسلامی بوده و آنچه در این مقاله آمده به منزله نظر قطعی اسلامی الهی نیست و نگارنده قصد ندارد آن‌ها را فرض مسلم بداند؛ بلکه نتایج حاصله بستری را برای مطالعات بیشتر در این زمینه، گشودن آفاق بیشتر برای مخاطب و نیز پاسخ به پرسش‌هایی فراهم می‌کند که در زمینه ترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی مطرح می‌شود. بر این اساس، نظریات متفکران اسلامی هم منظر اخلاق اسلامی به‌شمار رفته‌اند؛ همچنین از آنجاکه سرگرمی از مفاهیم نوظهور است و ریشه و منشأ آن جوامع امروزی بشری است، دیدگاه متفکران غیراسلامی در شناخت سرگرمی و تلقی‌های امروزی از آن، اهمیت داشته و بررسی شده است.

مفهوم‌شناسی

این تحقیق مبتنی بر بررسی مفاهیم سرگرمی، سبک زندگی و اخلاق اسلامی است. در ادامه به بررسی تعاریف این مفاهیم می‌پردازیم.

سرگرمی

سرگرمی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «حالت نفسانی و فعالیت فراغتی که به خودی خود و فارغ از دیگر امور زندگی ارزش دارد و به صورت اختیاری و خودانگیخته و به قصد اموری چون ایجاد تفریح، تنوع و تفنن، تخلیه هیجانان، هیجان‌خواهی، استراحت، رفع خستگی، گریز از یک‌نواختی صورت می‌پذیرد. از آنجاکه انسان مادامی که عقل و اختیار و آگاهی و قدرت داشته باشد مسئولیت نیز دارد، سرگرمی مستلزم رهایی از وظایف اساسی خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی انسان نیست» (میرخندان، ۱۳۹۸: ۳۶).

بنابر این تعریف:

- اموری مانند مناسک مذهبی از جمله زیارت، نماز، دعا و امثال آن سرگرمی نیستند؛ زیرا هدف از این امور سرگرم شدن نیست.
- اموری مانند فعالیت برای حفظ سلامتی و بهداشت، رفت‌وآمد در شهر، نگهداری از فرزندان و نیز شرکت در مراسم‌های خانوادگی در بیشتر اوقات اجباری هستند و اهدافی متفاوت با سرگرمی دارند و در نتیجه سرگرمی به‌شمار نمی‌روند.
- امور کاری مانند فعالیت ورزشکاران حرفه‌ای و یا بازیگران فیلم در رسانه‌ها چون در بیشتر اوقات به قصد کسب درآمد و به صورت اجباری انجام می‌شوند و اهدافی غیر از سرگرمی شدن دارند سرگرمی نیستند.
- برخی از سرگرمی‌ها عبارت‌اند از: دیدن فیلم، سریال و یا مسابقه ورزشی، ورزش همگانی، بازی‌های رایانه‌ای، سرگرمی‌های مرتبط با شبکه‌های مجازی (مانند دوربین مخفی، دابسمش و امثال آن)، گردشگری و سفر، مطالعه، انواع بازی‌ها.
- سرگرمی از منظر اسلامی مستلزم رهایی از وظایف اساسی خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی انسان نیست؛ درحالی‌که برخی معتقدند سرگرمی‌های مدرن این خاصیت را دارند (ر.ک. دومازدیه، ۱۳۵۲: ۶-۱۹).

سبک زندگی

سبک زندگی نیز «نظام ترجیحات^۱ رفتاری» تعریف شده است (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۷). با توجه به این که دین اسلام حضور حداکثری در زندگی انسان دارد و برای تمامی عرصه‌های زندگی انسان بایدها و نبایدهایی دارد، سبک زندگی اسلامی را می‌توان به نظام ترجیحات رفتاری براساس معیارهای اسلامی تعریف کرد.

از تعریف مذکور روشن می‌شود:

۱) اموری که خارج از اختیارات انسان است مانند نژاد، رنگ چشم، انتخاب والدین، محل تولد و امثال آن، جزو سبک زندگی انسان نیست؛ به دلیل این که در این موارد برای فرد ترجیحی متصور نیست.

۲) انتخاب دین، افکار و ارزش‌ها از جمله ارزش‌های اخلاقی در عرصه سرگرمی جزو سبک زندگی به‌شمار می‌روند؛ چراکه این امور رفتار درونی و جزئی از ترجیحات افرادند.

اخلاق اسلامی

منظور از اخلاق اسلامی علمی است که به ارزش‌گذاری افعال و صفات نفسانی انسان از دیدگاه اسلامی می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۵، ۲۴۰). از آنجا که ارزش‌گذاری اخلاقی درخصوص سرگرمی‌های مدرن با چالش‌های متعدد همراه است و در آن صرفاً به قواعد کلی و اصول اساسی علم اخلاق اکتفا نمی‌شود، تحقیق پیش رو در قلمرو دانش اخلاق کاربردی است؛ چراکه عهده‌دار این مباحث دانش اخلاق کاربردی است (شریفی، ۱۳۹۰: ۸۶، ۸۸).

ترغیب به سرگرمی به صورت عام

آموزه‌های ترغیب‌کننده به سرگرمی در اسلام را می‌توان به دو بخش آموزه‌های عام و خاص تقسیم کرد. اهمیت آموزه‌های عام از آن روی است که معیارهای اخلاقی آن شامل تمام سرگرمی‌ها می‌شود؛ درمورد آموزه‌های خاص، فقط در صورتی که علت ترغیب به سرگرمی خاص مشخص شود می‌توان حکم اخلاقی آن را برای دیگر سرگرمی‌ها صادر کرد.

درمورد آموزه‌های عام بدون ادعای حصر، می‌توان آموزه‌های کلی در ترغیب به سرگرمی را به سه بخش ترغیب به شادی و نکوهش غم، ترغیب به بازی و سرگرمی و ترغیب به گذران صحیح اوقات فراغت تقسیم کرد.

ترغیب به شادی و نکوهش غم

در دین اسلام شادی و خرسندی، که اثر غالب و بارز سرگرمی است، ستوده شده است. البته شادی می‌تواند نتیجه اموری غیر از سرگرمی نیز باشد. با وجود این، اثبات مطلوبیت شادی از منظر اخلاق اسلامی نیز با اهمیت است. یکی از چالش‌های اخلاقی در زمینه سرگرمی، بی‌هدف و غیرانتفاعی بودن آن است که موجب می‌شود سرگرمی امری بیهوده و مهمل به نظر آید. با اثبات مطلوبیت شادی در شرع مقدس، می‌توان نتیجه گرفت که شادی به منزله اثر غالب سرگرمی امری مطلوب و مفید است و در این صورت، سرگرمی شادی‌آور لغو و عبث نخواهد بود. نکته دیگر، تعیین مرز شادی مطلوب و نامطلوب از منظر اخلاق اسلامی است. برای تعیین شادی مطلوب می‌توان از آیات، روایات و نیز تعاریف لغوی و اصطلاحی از شادی، که در بین متفکران اسلامی وجود دارد، استفاده کرد؛ مثلاً در قرآن آمده است:

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند» (یونس/ ۶۲): «از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که شادی مطلوب ناشی از ایمان و تقواست.»

همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است:

«لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم» (حدید/ ۲۳): «تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید.» از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که غم و شادی طبیعی بد نیست، اندوه خوردن بر گذشته‌ها و یا سرمست شدن به داشته‌ها مذموم است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۸۲).

در خصوص روایات نیز برای نمونه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ریشه عقل توانمندی است و میوه توانمندی شادمانی است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۷). این روایت بر این دلالت دارد که شادی مطلوب مطابق با معیارهای عقلانی است. همچنین یکی از تعابیر اسلامی از شادی، واژه مرح است. این واژه در کتب لغت به شادی و نشاط زیاد (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۰۴) یا شادی شدید همراه تکبر (المصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۱: ۶۹) تعریف شده است. از این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت که شادی نباید مقرون به رذایل اخلاقی مانند تکبر باشد.

همچنین گفته شده طرب و بطر و اثر به معنی شادی خارج از حد اعتدال و شادی ناپسند است (المصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۹: ۴۸). از این تعریف نیز می‌توان نتیجه گرفت که باید در شادی کردن اعتدال و میانه‌روی داشت.

شادی اثر متوقع از سرگرمی است. حال اگر اثر یک سرگرمی شادی‌ای باشد که معیارهای مذکور را داشته باشد، آن سرگرمی نیز از این منظر مطلوب است و همین‌طور برعکس، اگر اثر سرگرمی شادی‌ای باشد که این معیارها را نداشته باشد، آن سرگرمی نیز از این منظر نامطلوب است.

ترغیب به بازی و سرگرمی

در منابع دینی، همان‌گونه که از بازی و سرگرمی نهی شده، به آن سفارش نیز شده است. برای روشن شدن میزان دلالت این سفارش‌ها بر اخلاقی بودن بازی و سرگرمی، نخست باید معنای شرعی واژه لعب و لهو مشخص شود؛ چراکه بین سرگرمی و لهو و نیز بین بازی و لعب قرابت مفهومی وجود دارد.

از تعابیر قرآن و روایات به دست می‌آید که لعب فی نفسه معنای مذمومی ندارد و شامل بازی بیهوده یا دارای هدف خیالی و غیرعقلایی و نیز شامل بازی‌های دارای هدف عقلایی می‌شود. نمونه این معنای عام، در آیه ۱۲ سوره یوسف آمده است. در این آیه برادران یوسف می‌گویند: «أَرْسَلْنَا مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ» (یوسف/ ۱۲): «فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند.»

در این آیه، به یوسف و بنابر برخی قرائت‌ها به برادرانش، نسبت «لعب» داده شده و از سیاق آیات قبل و بعد نیز برمی‌آید که **یعقوب** اعتراضی بدان نداشته است. برخی با استفاده از همین آیه بر مطلوبیت و ضرورت بازی و تفریح استدلال کرده‌اند. ایشان گفته‌اند که قوی‌ترین منطقی که توانست حضرت یعقوب را تسلیم خواسته فرزندان کند، این بود که یوسف نیاز به تفریح داشت (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۶۸).

علاوه بر این آیه، در روایات نیز سفارش به لعب به چشم می‌خورد، مانند روایتی که می‌گوید: مؤمن شوخ و شنگ (لعب) است و منافق اخمو و عصبانی^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۵۳).

در مورد معنای واژه لهو نیز به نظر می‌رسد مراد از لهو مشغول شدن از کاری به کار دیگر است؛ طبق این معنا، لهو فی نفسه امر مذمومی نیست و بین معنای لهو و سرگرمی، چه مطلوب و چه نامطلوب، قرابت مفهومی وجود دارد. شاهد بر این ادعا، آیات متعددی است که در ادامه به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

مورد اول، آیه ۶ سوره لقمان است که می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان/ ۶): «و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا (مردم را) بدون (هیچ) دانشی از راه خدا گمراه کنند و (راه خدا) را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.»

۱. أَضَلَّ الْعَقْلَ الْقُدْرَةَ وَ تَمَرَّتْهَا الشُّرُورُ

۲. الْمُؤْمِنُ دَعْبٌ لَعِبٌ وَ الْمُنَافِقُ قَطْبٌ غَضِبٌ.

در این آیه، معنای لهو الحدیث همان سخنان سرگرم کننده است و گمراه شدن از سبیل الله خارج از مفهوم لهو است. توضیح این که در قید «لیضَلَّ عَنْ...» دو احتمال وجود دارد: ۱. توضیحی بودن؛ به این معنا که قید اضلال در واقع توضیح لهو است؛ ۲. احترازی بودن؛ به این معنا که قید اضلال برای خارج کردن برخی مصادیق و افراد لهو است و همه لهوها ناروا و مستوجب عذاب نیستند. در اصطلاح علم اصول فقه، اصل در قیود احترازی بودن آن هاست و در هنگام شک در توضیحی یا احترازی بودن یک قید حکم به احترازی بودن آن می شود.

مورد دوم، آیتی از سوره جمعه است که می فرماید: «وَإِذَا زُلَّوْا تَبَجَّارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التَّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه/ ۹-۱۱) «و چون تجارت یا لهوی ببینند، به سوی آن روی آور می شوند و تو را درحالی که ایستاده ای ترک می کنند. بگو آنچه نزد خداست از لهو و از تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است.»

در این آیات نیز مانع ذکر خدا بودن جزئی از مفهوم لهو نیست، بلکه به نظر می رسد معنای لهو همان کار سرگرم کننده و غافل کننده است که در اینجا موجب غفلت از کاری مطلوب، یعنی نماز جمعه شده است؛ همچنان که تجارت نیز امری است که به خودی خود موجب غفلت از یاد خدا نمی شود.

گذشته از بحث مفهوم شناسی لعب و لهو، سفارش به بازی و ورزش در منابع دینی به روشنی بر جایز بودن و بلکه مطلوب بودن این سرگرمی ها دلالت دارد. سفارش های اسلام به بازی و سرگرمی را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول در مورد بازی های کودکان است و دسته دوم به ورزش به صورت ضمنی و عام سفارش می کند و دسته سوم بازی ها و ورزش های خاصی چون تیراندازی، شنا و امثال آن را دربر می گیرد. به قسم سوم در بخش مدح و ذم سرگرمی های خاص اشاره می شود. در این بخش به سفارش های اسلام در خصوص بازی های کودکانه و ورزش به صورت عام می پردازیم.

بازی های کودکانه

برخی روایات در خصوص بازی معصومین در زمان طفولیت است و برخی به بازی کودکان به صورت عام اشاره دارد که شامل غیر معصومین نیز می شود. این روایات در تربیت اخلاقی و تقسیم بندی مراحل رشد (که خود بحثی مفصل در علم روان شناسی است) از دید اسلام اهمیت زیادی دارند.

برخی از روایات در مورد بازی معصومین در زمان طفولیت عبارت اند از:

«سلمان فارسی نقل می کند که بر فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام داخل شدم درحالی که آن دو بازی می کردند و فاطمه به مشاهده آن ها خرسند و بسیار شادمان بود...»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۳۶۱).

«نقل شده است که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله امام حسین را دید که در کوچه با کودکان بازی می کند. پیامبر اکرم جلورفت و یکی از دست های خود را گشود که امام حسین را بگیرد، ولی امام حسین از این طرف به آن طرف فرار می کرد، رسول خدا با حسین علیه السلام می خندید،...»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۷۳).

«ابورافع می گوید من با امام حسین که کودکی بود گلوله بازی می کردم...»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۹۷).

نکته مهم در این روایات آن است که ائمه معصومین، که دارای شأن ولایت و سرپرستی جامعه اند، نیز در کودکی خود به بازی می پرداختند و اگر بازی کردن امری مذموم بود، باید آن ها نیز از این کار خودداری می کردند.

۱. دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ يُلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيْهَا فَفَرِحَتْ بِهِمَا فَرِحًا شَدِيدًا...

۲. أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى طَعَامٍ دُعِيَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ بِحُسَيْنٍ يُلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَ النَّبِيَّ (ص) أَمَامَ الْقَوْمِ ثُمَّ بَسَطَ يَدَيْهِ فَطَفَّرَ الصَّبِيُّ هَاهُنَا مَرَّةً وَ هَاهُنَا مَرَّةً وَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ يَضَاحِكُهُ ...

۳. كُنْتُ أَلْعَبُ الْحُسَيْنَ عَ وَ هُوَ صَبِيٌّ بِالْمَدَاحِي ...

اما همچنان که گفته شد، برخی از روایات به بازی کودکان به صورت عام (شامل معصومین و غیر معصومین) سفارش کرده‌اند. برخی از این روایات عبارت‌اند از:

امام صادق علیه السلام در یک دستور تربیتی می‌فرماید: «فرزندت را رها کن که هفت سال بازی کند و هفت سال تأدیب شود و هفت سال او را همراه خویش گیر پس اگر رستگار گردید که هیچ‌گونه خیری در او نیست»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۹۲).

همچنین در روایات، بابتی مربوط به استحباب بازی با فرزند وجود دارد که در این روایات رفتار و بازی بچگانه با فرزند توصیه شده است. برای نمونه پیامبر اکرم می‌فرماید: «هرکس کودکی دارد باید با وی چون کودکان هم‌بازی شود»^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۸۳-۴۸۴).

از این روایات می‌توان فهمید که در ارزیابی هر سرگرمی باید شرایط سرگرم‌شونده نیز در نظر گرفته شود؛ چراکه پیامبر فرموده باید در بازی با کودکان شرایط سنی روحی و عاطفی آن‌ها را در نظر گرفت و مانند خود آن‌ها با آن‌ها بازی کرد؛ بنابراین سن و دیگر عناصر زمینه‌ای می‌توانند در انتخاب سرگرمی مطلوب در سبک زندگی مؤمنانه تأثیرگذار باشند.

در یک جمع‌بندی کلی، از مجموع آیات و روایات مذکور در مورد معنای لعب و لهو و نیز بازی‌های کودکان می‌توان نتیجه گرفت که این روایات بازی‌ها را محصور در بازی مذموم ندانسته و بازی مطلوب را امری می‌دانند که موجب تربیت جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی می‌شود؛ بنابراین بازی به‌خودی‌خود مذموم و ناپسند نیست، بلکه از منظر اخلاق اسلامی با شرایطی، ممدوح و پسندیده نیز به‌شمار می‌رود.

توصیه به ورزش

آموزه‌هایی که در مورد ورزش در منابع دینی وجود دارد بیشتر در مورد ورزش‌های خاصی مانند اسب‌سواری، تیراندازی، شنا و امثال آن است و نگارنده آموزه‌هایی کلی را که به مطلوب بودن همه رشته‌های ورزشی تصریح کند نیافت. البته در برخی از آیات و روایات به دلالت التزامی و به صورت ضمنی به ورزش توصیه شده است. در این خصوص، در قرآن از شخصیت‌های ورزش‌کار و قوی‌هیکل ستایش شده است و به قرائن دیگر، مشخص می‌شود که این افراد اهل ورزش بوده‌اند و قدرت بدنی آن‌ها ناشی از ورزش کردن و تربیت بدنی آن‌ها بوده است، نه آن‌که قدرت بدنی‌شان به صورت غیراکتسابی و یا معجزه باشد.

نمونه ستایش شخصیت‌های ورزش‌کار در قرآن، مدح طالوت در آیه ۲۴۷ سوره بقره است. در این آیه آمده است: ... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَةً مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره/ ۲۴۷). «پیامبرشان گفت در حقیقت خدا او [طالوت] را بر شما برتری داده و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است و خداوند پادشاهی خود را به هرکس که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست.»

در این آیه، یکی علل تفوق و برتری طالوت به دیگران برای کسب فرماندهی نظامی، نیروی بدنی او دانسته شده است که نشان‌دهنده مطلوبیت این خصیصه است. همچنین در داستان طالوت کسی نگفته است که نیروی بدنی او معجزه بوده، بلکه گفته شده که او چوپانی فقیر بوده است که برای پیدا کردن گوسفندان گم‌شده‌اش از اطراف به‌سوی شهر آمده بوده و به خدمت پیامبر رسید بوده است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۸۵)؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد طالوت به خاطر چوپان بودن و تربیت بدنی خویش قوی‌هیکل بوده است.

نمونه دیگر، ستایش حضرت داوود در منابع دینی است که روایت شده به‌قدری قوی‌هیکل بوده که هرگاه شیری به گوسفندان حمله می‌کرده، گردن شیر را می‌گرفته و گوسفندان را از دهان آن بیرون می‌کشیده^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۳: ۴۴۶). در این روایت نیز چنانچه قدرت داوود

۱. دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُوَدِّعُ سَبْعَ سِنِينَ وَ أَلْزِمُهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنِ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.

۲. مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيُصَاصْ لَهُ

۳. قَدْ كَانَ الْأَسَدُ يَعْذُو عَلَى الشَّاةِ مِنْ غَنَبِي فَأَدْرَكَهُ وَ أَخَذَ بِرَأْسِهِ وَ أَقْلَبَ لَحْيَهُ عَنْهَا ۳ فَآخَذَهَا مِنْ فِيهِ

غیراکتسابی باشد، ستایش قدرت آن معنا و مفهوم نخواهد داشت؛ زیرا امری که معجزه باشد از جانب خداست و مدح آن نیز باید مخصوص او باشد.

گذشته از این احتمالات و استدلالات، روایاتی که با صراحت مؤمنین را به ورزش‌های خاصی مانند اسب‌سواری و تیراندازی توصیه می‌کنند نیز مؤید مطلوبیت عموم ورزش‌ها هستند.

ترغیب به گذران صحیح اوقات فراغت

در تعالیم اسلامی، علاوه بر نكوهش فرصت‌سوزی در گذران اوقات زندگی، به نقش و اهمیت اوقات فراغت به منزله یکی از عوامل رشد و تربیت اخلاقی انسان نیز اشاره دارد. در این زمینه، پیامبر اکرم خطاب به ابوذر می‌فرماید: «بر خردمند لازم است که اوقات روزانه‌اش را به چند بخش قسمت کند: ساعتی که در آن با خداوند مناجات نماید، ساعتی که در آن نفس خود را محاسبه کند. ساعتی برای تفکر درباره آفرینش خداوند و بخشی از آن را برای بهره‌جویی از حلال قرار می‌دهد و این بخش قسمت‌های دیگر را تقویت می‌کند و مایه آرامش و آسایش قلب می‌شود»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۲۵). در روایت مشابه دیگری، امام موسی کاظم می‌فرماید: «بکوشید اوقات خود را به چهار بخش تقسیم کنید: اوقاتی برای مناجات با خدا، اوقاتی برای امرار معاش و کار، اوقاتی برای انس و معاشرت با دوستانی که عیوب شما را به شما بگویند و در دوستی خود اخلاص دارند و اوقاتی برای بهره‌جویی از لذات حلال، با این بخش اخیر برای انجام امور آن سه وقت دیگر توانایی می‌یابید [...] برای خودتان بهره‌ای از دنیا قرار دهید، یعنی از حلالی که دوست می‌دارید و به شرافت شما آسیبی نمی‌رساند و اسراف در آن نیست، استفاده کنید و به مدد این حلال به وظایف دینی خود برسید، چه روایت شده است که: «آن کس از ما نیست که دنیایش را برای دینش، یا دینش را برای دنیایش از دست بنهد»^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۴۰۹-۴۱۰)؛ همچنین همین روایت با اندک تفاوتی از امام رضا نیز نقل شده است (الامام الرضا، ۱۴۰۶: ۳۳۷).

در این روایات استفاده از اوقات فراغت زمینه انجام دیگر کارها، حتی کار مهمی چون عبادت دانسته شده است؛ و از این روی به اهمیت آن به منزله بخشی از اوقات زندگی تصریح شده است. همچنین در این روایات، به برخی حکمت‌های ترغیب به سرگرمی، مانند ایجاد آرامش و تجدید قوا، شکوفاکردن استعدادها (چراکه توانایی یافتن بر اموری مانند مناجات با خدا و امثال آن در شکوفایی استعدادهای انسان نقش دارد) و توسعه اقتصادی (چراکه توانایی در انجام مسئولیت‌های شغلی به توسعه اقتصادی کمک می‌کند)، تنوع و دوری از کارهای ملالت‌آور (چراکه تقسیم اوقات و توجه به پرداختن به لذات حلال در آن، خود نشان‌دهنده اهمیت این امور است) اشاره دارد.

نکته دیگر روایات این است که سرگرم‌شدن به امور حلال جایز است و شرایطی برای مطلوب‌بودن سرگرمی وجود دارد؛ از جمله آن‌که به کرامت انسان آسیب نرساند و در انجام آن اعتدال رعایت شود.

ترغیب به سرگرمی‌های خاص

برخی از سرگرمی‌های سفارش‌شده در زمان صدر اسلام عبارتند از: اسب‌سواری، تیراندازی، کشتی و شنا. در ادامه سفارش به این سرگرمی‌ها بررسی می‌شود.

سوارکاری و تیراندازی

از محدود ورزش‌هایی که به صراحت در قرآن به آن سفارش شده اسب‌سواری و تیراندازی است. در این زمینه در سوره انفال آمده است:

۱. عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ سَاعَةَ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ تَعَالَى وَ سَاعَةَ يَحْسَبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةَ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ اللَّهُ وَ سَاعَةَ يَخْلُو فِيهَا بِحَظِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِيَتَلَكَّ السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٌ لِلْقُلُوبِ وَ تَوْزِيْعٌ (تفريغ) لَهَا
۲. اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُبُوبَكُمْ وَ يَخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّائِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ يَهْدِي السَّاعَةَ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ ... اجْعَلُوا لِنَفْسِكُمْ حِطًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَانِهَا مَا تَشْتَهُ مِنَ الْحَلَالِ وَ مَا لَا يَتْلَمُ الْمَرْوَةَ وَ مَا لَا سَرْفَ فِيهِ؛ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ، فَإِنَّهُ رُوي: «ليس منا من ترك دنياه لدينه، أو ترك دينه لدنياه».

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِيَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (انفال/۶۰): «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.»

این آیه علاوه بر سفارش به اسب‌سواری، به ورزش تیراندازی نیز اشاره دارد و در احادیث «قُوَّة» به تیراندازی تفسیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۲۵۲).

علاوه بر آیه ۷۰ سوره انفال، که ورزش اسب‌سواری را برای آمادگی در جنگ توصیه می‌کند، در روایات نیز به این ورزش حتی به قصد تفریح و سرگرمی نیز سفارش شده است. در همین زمینه، امام زین‌العابدین می‌فرماید: «جدم رسول خدا (ص) مسابقه اسب‌دوانی ترتیب داد و جایزه آن چند اوقیه^۱ طلا بود»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۴۹).

در روایت دیگری، امام باقر می‌فرماید: «رسول خدا مسابقه اسب‌دوانی ترتیب داده و جوایز را از مال خویش پرداخت^۳» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۸۷؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۲۵۵). در این روایت، نه تنها تعیین جایزه در اسب‌دوانی جایز شمرده شده است، بلکه پیامبر مخارج جوایز برندگان مسابقه را نیز خود به عهده گرفته‌اند. مشخص است که اگر ورزش همراه با مسابقه باشد، حتماً مفیدتر و دلپذیرتر خواهد بود و این مسئله مورد توجه شرع نیز بوده است. به این روایات، روایات مربوط به شترسواری را نیز می‌توان افزود. در روایتی آمده است که جایزه حلال نیست؛ مگر در مسابقه شترسواری یا اسب‌سواری یا تیراندازی^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰).

در چرایی و علت این سفارش‌ها می‌توان احتمالات مختلفی را در نظر گرفت. یکی از عوامل مهم سفارش به تیراندازی و اسب‌سواری، ارضای میل آدمی به سرگرمی به صورت اخلاقی در این ورزش‌هاست؛ زیرا اگر ارضای میل به سرگرمی هدف نبود، باید در غیر از جنگ، تیراندازی و اسب‌سواری ممنوع می‌شد؛ درحالی‌که این‌گونه نیست و مسابقاتی که جنبه سرگرمی نیز داشته در صدر اسلام برگزار می‌شده است. میل به سرگرمی در زمان حاضر نیز وجود دارد و باید برای ارضای آن چاره‌اندیشی کرد.

دلیل دیگری که به ذهن نگارنده می‌رسد این است که در آن زمان، برای این ورزش‌ها کارکردهایی مانند شکوفاکردن استعدادهای جسمی، روحی و روانی در کنار یادگیری مسائل نظامی برای دفاع از خود و یا حفظ اسلام و توسعه قلمروی آن متصور بوده است. در زمان حال نیز این کارکردها تا حدودی در مورد ورزش‌های گوناگون وجود دارد و می‌تواند منشأ مطلوبیت و جواز اخلاقی ورزش‌های دیگر باشد.

کشتی

در برخی از روایات، گزارش‌هایی دال بر مدح ورزش کشتی وجود دارد؛ تاجایی‌که برخی از محققان بابی در این خصوص در کتب روایی خود قرار داده‌اند (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۴: ۳۴۴-۳۴۶). در این روایات آمده است که «روزی فاطمه علیها السلام همراه امام حسن و امام حسین علیهما السلام به عیادت پدر رفت... آنگاه پیامبر اکرم به حسن و حسین علیهما السلام فرمود: بپا خیزید و با هم کشتی بگیرید. آن‌ها نیز مشغول کشتی گرفتن شدند... پیامبر در حین کشتی می‌فرمود: آفرین بر تو ای حسن! با یک حمله، حسین را بر زمین بزنی! فاطمه علیها السلام از

۱. معادل چهل درهم (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۰۴)

۲. أَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُجْرَى الْخَيْلَ وَجَعَلَ فِيهَا سَبْعَ أَوْاقٍ مِنْ فِصَّةٍ

۳. ان رسول الله «صلى الله عليه وآله» سابق بين الخيل و اعطى السوابق من عنده

۴. لَا سَبَقَ إِلَّا فِي حُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصَلٍ يَغْنِي النَّصَالَ

این رفتار پیامبر اکرم تعجب کرد و علت این طرفداری را پرسید. پیامبر در جواب فرمود: دختر عزیزم! آیا راضی نیستی من بگویم: ای حسن با یک حمله حسین را بر زمین بزن درحالی که جبرئیل گوید: ای حسین! با یک حمله حسن را بر زمین بزن! (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۴۵-۴۴۶).

همچنین وارد شده است که «روزی پیامبر اکرم به صحرا رفت. در آنجا عرب بیابان‌گردی را در حال چرای گوسفندانش دید که به زور و بازو معروف بود. آن مرد به پیامبر اکرم پیشنهاد کرد که با وی کشتی بگیرد؟ پیامبر اکرم این پیشنهاد را قبول کرد و یک گوسفند هم جایزه مسابقه قرار داده شد. پیامبر اکرم در جریان کشتی مرد عرب را بر زمین زد و با درخواست دوباره مرد عرب پیامبر اکرم بار دیگر با وی کشتی گرفت و باز هم او را بر زمین زد. در این هنگام مرد عرب گفت: اسلام را بر من عرضه کن؛ تاکنون کسی جز تو مرا به زمین نزده است. پیامبر اکرم اسلام را به او عرضه کرد. آن مرد مسلمان شد و پیامبر اکرم نیز گوسفندانش را به وی بازگرداند»^۲ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۸۲).

همچنین روایات دیگری درخصوص کشتی گرفتن وجود دارد؛ مانند کشتی گرفتن حضرت علی با شیطان^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۲۰۸) و جوازندان به کشتی در حال احرام^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۶۷) که دال بر جواز آن در حال غیراحرام است؛ این روایات را نیز می‌توان به روایات گذشته ضمیمه کرد.

شنا

در روایات سفارش‌های متعددی در مورد شنا وارد شده است. در برخی گزارش‌ها آمده است که امام حسن و امام حسین علیهما السلام به شنا در رود فرات می‌پرداختند^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۳۲۰).

همچنین در روایتی از پیامبر نقل شده که بهترین سرگرمی مرد مؤمن شنا و بهترین سرگرمی زن ریسنده^۶ است (پابنده، ۱۳۸۲: ۴۷۳)؛ همچنین ایشان می‌فرمایند: به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید^۷ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۷).

این سفارش‌ها نشان‌دهنده اهمیت و مطلوبیت این ورزش به‌منزله سرگرمی مفید است. همچنان که برخی از محققان نیز گفته‌اند، امروزه باید مفهوم شنا، تیراندازی اسب‌سواری و حتی شترسواری را توسعه داد؛ تا آنجا که شامل مفاهیمی چون چرخ‌سواری، موتورسواری، تمرین رانندگی نیز بشود. اگر در گذشته مفاهیمی مانند شنا در آب وجود داشته، امروزه شنا در هوا نیز مطرح است و چتربازی و پرواز با بالگرد و هواپیما نیز درخور توجه‌اند و مسابقه پرش، کوهنوردی و بالارفتن از ارتفاعات نیز می‌توانند سرگرمی اخلاقی به‌شمار روند (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰: ۹۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گذشته در جواب سؤالات فرعی این نتایج حاصل شد:

۱. أمالی الصدوق ۳۶۱: حدَّثنا محمد بن موسى بن المتوكل قال: حدَّثنا علي بن الحسين السعد آبادي قال: حدَّثنا أحمد ابن أبي عبد الله البرقي عن أبيه عن فضالة بن أيوب عن زيد الشَّحَّام عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي الباقر عن أبيه عليهم السلام قال: مرض النبي صلى الله عليه وآله المرضة التي عوفي منها فعادة فاطمة عليها السلام سيدة النساء ومعها الحسن والحسين (إلى أن قال) فقال لهما النبي صلى الله عليه وآله: قوما الآن فاصطرا فاقاما ليصطرا وقد خرجت فاطمة في بعض حاجتها فدخلت فسمعت النبي وهو يقول: ايه يا حسن، شد علي الحسين فاصرعه فقالت له: يا أبه وا عجاباه، أتشجع هذا علي هذا أتشجع الكبير علي الصَّغِير قال لها: يا بنیه أما ترضين أن أقول أنا: يا حسن، شد علي الحسين فاصرعه وهذا حبيبي جبرئيل يقول: يا حسين، شد علي الحسن فاصرعه!؟
۲. ابن أبي جهمور في دُرر الالكي: وَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) خَرَجَ يَوْمًا إِلَى الْأَطْحِمْ فَرَأَى أَعْرَابِيًّا يُرْعَى غَنَمًا لَهُ كَانَ مَوْصُوفًا بِالْقُوَّةِ فَقَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) هَلْ لَكَ أَنْ تُصَارِعَنِي فَقَالَ (ص) مَا تُسَبِّحُ لِي فَقَالَ شَاءَ فَصَارِعَهُ فَصَارِعَهُ النَّبِيُّ (ص) فَقَالَ لَهُ الْأَعْرَابِيُّ هَلْ لَكَ إِلَى الْعُودِ فَقَالَ (ص) مَا تُسَبِّحُ قَالَ شَاءَ أُخْرَى فَصَارِعَهُ فَصَارِعَهُ النَّبِيُّ (ص) فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ أَعْرِضْ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ فَمَا أَخَذَ صَرَغِي غَيْرِكَ فَعَرَضَ عَلَيْهِ الْإِسْلَامَ فَأَسْلَمَ وَ رَدَّ عَلَيْهِ غَنَمَهُ.
۳. تَفْسِيرُ الْفَرَاتِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: رَأَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَيَّ بَابَهُ شَيْخًا فَعَرَفَهُ أَنَّهُ الشَّيْطَانُ فَصَارِعَهُ وَ صَرَغَهُ ...
۴. سَأَلْتُهُ عَنْ الْمُحْرَمِ يَصَارِعُ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ قَالَ لَا يَصْلُحُ لَهُ مَخَافَةَ أَنْ يَصِيبَهُ جِرَاحٌ أَوْ يَقَعَ بَعْضُ شَعْرِهِ.
۵. مَرَزَتْ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ هُمَا فِي الْفَرَاتِ مُسْتَتَبِعَانِ فِي إِذَارَيْنِ
۶. خير لهو المؤمن السباحه و خير لهو المرأة المغزل.
۷. عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ.

۱. برخی از آموزه‌های ترغیب‌کننده عام به سرگرمی، شامل ترغیب به شادی و نکوهش غم، ترغیب به بازی و سرگرمی و ترغیب به گذران صحیح اوقات فراغت می‌شوند.

۲. برخی از آموزه‌های ترغیب‌کننده خاص به سرگرمی شامل ترغیب به اسب‌سواری، تیراندازی، کشتی و شنا می‌شوند.

۳. دلالت آموزه‌های ترغیب‌کننده به سرگرمی بر شرایط اخلاقی بودن سرگرمی مرهون اموری است از جمله مفهوم‌شناسی سرگرمی، توجه به آموزه‌های مذمت‌کننده سرگرمی‌ها مانند آنچه در مورد لهو و لعب در منابع اسلامی آمده است، توجه به این مطلب که آموزه‌هایی که در مورد سرگرمی‌های خاص هستند فقط در صورتی دلیل مطلوبیت سایر سرگرمی‌ها می‌شوند که علت ترغیب به آن‌ها روشن باشد.

علت و حکمت ترغیب به سرگرمی در منابع اسلامی شامل برخی خواص سرگرمی، مانند یادگیری و آموزش (مانند یادگیری فنون نظامی و غیر آن)، تفریح و شادی، آرمیدگی و تجدید قوا، شکوفاکردن استعدادها، توسعه اقتصادی، اهمیت تنوع در زندگی و دوری از کارهای ملالت‌آور می‌شود.

سرگرمی مطلوب چنین ویژگی‌هایی دارد: بیهوده نیست و اهدافی مانند ایجاد شادی مشروع، تربیت جسمی، روانی و روحی دارد، در راستای مسئولیت‌های اساسی تعیین شده برای انسان است، حلال است، به کرامت انسان لطمه نمی‌زند، در پرداختن به آن اعتدال رعایت می‌شود. درنهایت در جواب سؤال اصلی مقاله این نتیجه به دست آمد که نفس سرگرمی ذاتاً امری نه خوب و نه بد است و اسلام با بیان بایدها و نبایدهای اخلاقی، معیارهای مطلوبیت آن را بیان می‌کند؛ طبق بیانات شرعی، سرگرمی‌ها خواص و کارکردهایی دارند که موجب مطلوبیت آن‌ها می‌شوند.

منابع

قرآن کریم.

آتشین صدف، عبدالرضا و فعالی، محمدتقی (۱۳۹۵). شیوه‌های گذران اوقات فراغت با نگرش به منابع دینی. قم: تیماس. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی، تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، تدوین غفاری علی اکبر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، تدوین علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

الامام الرضا، علی بن موسی (۱۴۰۶). فقه الرضا، مشهد: مؤسسه آل‌البیت (ع).

المصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار العلماء المصطفوی.

بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

بهشتی، سعید و منطقی، یگانه (۱۳۹۰). بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۷(۳)، ۹۱-۱۱۴.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج‌الفصاحه. تهران: دنیای دانش.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.

حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

دومازدیه، ژوفر (۱۳۵۲). زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه، فرهنگ و زندگی، ۳(۱۲)، ۱۶-۱۹.

- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۱). فراغت، مصرف و جامعه: گفتارهای انتقادی. تهران: نشر تیسرا.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۱). سبک‌های فراغتی جوانان. تهران: نشر تیسرا.
- شرف‌الدین، حسین (۱۳۹۵). سرگرمی رسانه‌ای: رویکردی اسلامی - ارتباطی به سرگرمی در سیمای ملی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۰). چیستی اخلاق کاربردی، معرفت اخلاقی، ۲(۷)، ۸۳-۹۶.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی، قم: نشر معارف.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
- میرخندان، سیدعبدالله (۱۳۹۸). کارکردهای سرگرمی اسلامی، تهران: انتشارات میراث فرهیختگان.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.



Encouraging Entertainment in Lifestyle From The Perspective Of Islamic Ethics

Seyyed Abdollah Mirkhandan¹

Abstract

Given the increasing growth of leisure and the emergence of new and modern entertainment in the human lifestyle, considering the place of these entertainments in the lifestyle is one of the moral challenges of the present age. Considering new hobbies' pros and cons, it should be clarified under what conditions these hobbies can be useful. The present research with a descriptive-analytical method seeks to study the teachings of Islamic ethics, particularly the arguments motivating entertainment in this field. This article concluded that entertainment could also be used to achieve Islamic goals. Islam, by stating the moral "should and shouldn't," sets the criteria for this desirable and valuable utilization. Accordingly, useful entertainment is not in vain even if it is in line with the essential responsibilities assigned to human beings; it is permissible, it does not harm human dignity, and moderation is observed in dealing with it. Also, according to the teachings encouraging entertainment, some of the properties and functions of desirable and useful entertainment are: learning and education, creating fun and happiness, relaxation and rejuvenation, flourishing talents, and creating economic development and diversity in life.

Keywords: Entertainment, Encouragement to Entertainment, Lifestyle, Islamic Ethics

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Level 4 Jurisprudence and Principles of Qom Seminary, Master of Applied Ethics, Qom Institute of Ethics and Education, Qom, Iran